

هنرستان جوان



سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان تبلیغات اسلامی

ماهنامه فرهنگی، هنری و ادبی
ضمیمه روزنامه جوان
شماره پانزدهم - خردادماه ۱۳۹۲

- میلاد مولود کعبه، حضرت امام علی بن ابیطالب^(ع) و مبعث حضرت رسول اکرم محمد مصطفی^(ص) را به مسلمانان و محبان اهل بیت^(ع) تهنیت می گوئیم.
- سالروز حماسه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و سالروز آزادی خرمشهر و روز مقاومت و ایثار و پیروزی را گرامی می داریم.
- سالروز رحلت جانگزار رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی^(ع) را تسلیت می گوئیم.
- سالروز انتخاب حضرت آیت الله خامنه ای به مقام ولایت و رهبری را گرامی می داریم.
- وفات بانوی کربلا، حضرت زینب^(س) و شهادت هفتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت حضرت امام موسی کاظم^(ع) را تسلیت می گوئیم.
- میلاد باسعادت حضرت امام حسین^(ع) (روز پاسدار)، حضرت ابوالفضل العباس^(ع) (روز جانباز) و حضرت امام سجاد^(ع) و ولادت حضرت علی اکبر^(ع) (روز جوان) را به همه مسلمانان و محبان اهل بیت^(ع)، تهنیت می گوئیم.

❑ وقتی «روح خدا به ملکوت اعلی پیوست»
وروزی که «خرمشهر را خدا آزاد کرد»

❑ انتخابات و خلق حماسه سیاسی
تکلیف همگانی

❑ انتظار فرج از نیمه خرداد کشم

❑ امیر حسین فردی، رفت ...
آقا جان مهربان همه بچه ها

❑ آزادی خرمشهر، نقطه عطف
زندگی من بوده است

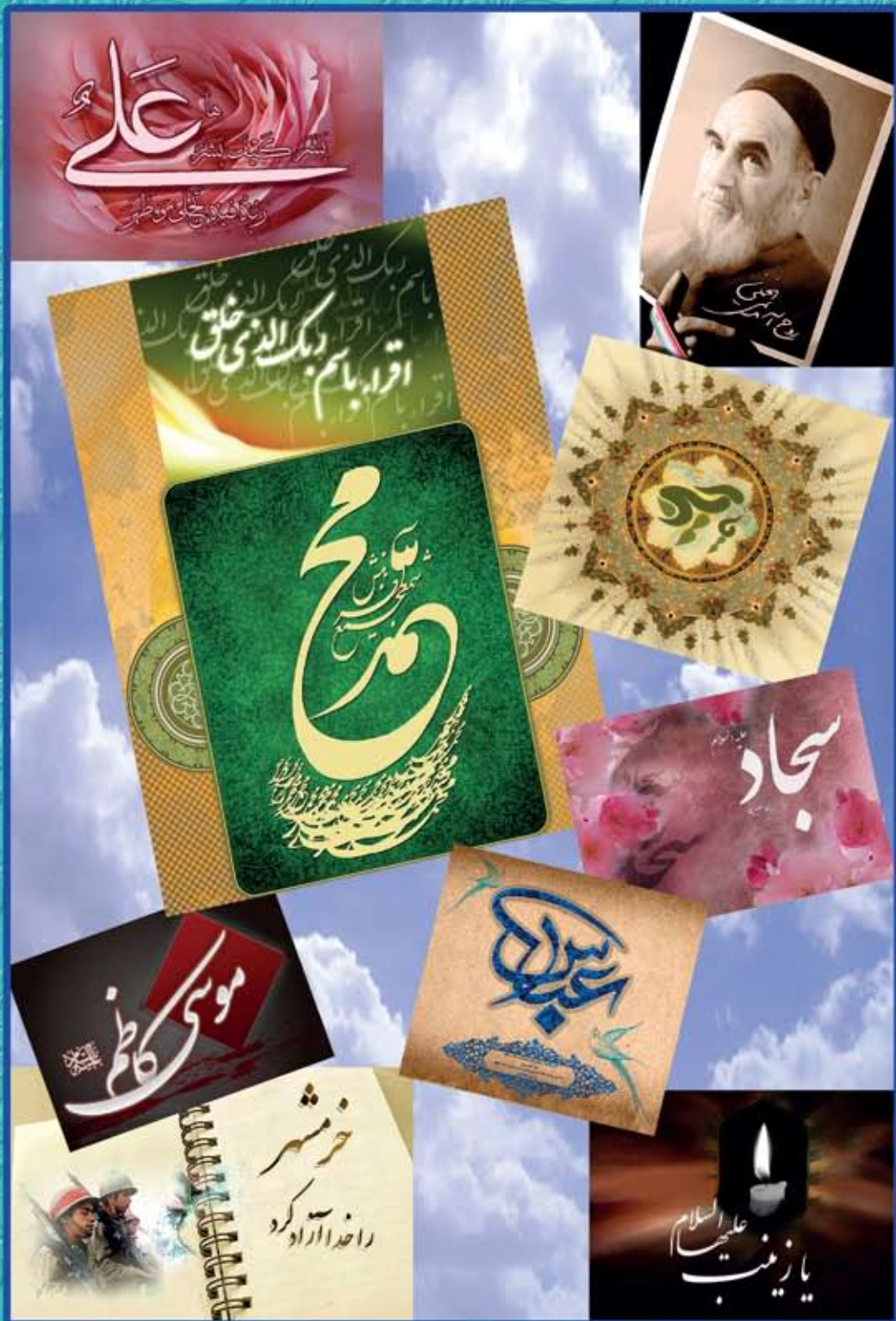
❑ نگاهی به اشعار عارفانه و عاشقانه
حضرت امام خمینی (ره)

❑ در زمان رحلت حضرت امام (ره)
همه با اشک عکاسی می کردیم

❑ فراخوان ششمین جشنواره ی
سراسری شعر بسیج و دومین
دو سالانه سراسری عکس بسیج

❑ هنر پته دوزی

❑ اولین کارگاه توجیهی - آموزشی
کاربران شبکه شباب سازمان بسیج
هنرمندان



سید اسماعیل اشرف نیا، مسئول برگزاری دوره های فیلمنامه نویسی و کارگردانی سازمان بسیج هنرمندان

انتخابات و خلق حماسه سیاسی، تکلیف همگانی

سال ۱۳۹۲ با نامگذاری به عنوان سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی همگان را در بدو امر به خلق حماسه سیاسی در انتخابات دوره یازدهم ریاست



جمهوری معطوف می دارد. اکنون که ایران در آستانه برگزاری انتخابات یازدهم ریاست جمهوری برای تعیین رئیس رکن اجرایی کشور است، فرصت مغتنمی است تا یک باردیگر با واکاوی نقش و اهمیت مردم حضور در حاکمیت و سرنوشت سیاسی خود، زمینه مشارکت و حضور جدی و مسئولانه مردم را برای ایفای نقش فعال و موثر در عرصه حاکمیت سیاسی کشور فراهم کنیم. در کشور ما، مردم به حدی از بلوغ سیاسی رسیده اند که می دانند حاضر شدن بر سر صندوق های رأی و انتخاب کارگزاران نظام در قوا و سطوح مختلف از بدیهی ترین حقوقی است که بر هر فرد ایرانی و علاقه مند به سرنوشت کشور تعلق می گیرد و این نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف همگانی است. حضرت امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار نظام مردمسالار دینی در ایران، در وصیت نامه سیاسی الهی خود می فرمایند: «همه در پیشگاه خداوند متعال، مسئول می باشند. از این قرار عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه، مسئول سرنوشت کشور و اسلام می باشند. چه در نسل حاضر و چه در نسل های آتی و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی بزرگ باشد که در رأس گناهان کبیره قرار گیرد.» جمهوری اسلامی تار و پودش با آراء مردم، تحقق یافته است. حضور هوشمندانه مردم در امور سیاسی و درک صادق آنها از جاری های زمان و آنچه بر سرنوشت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و معیشتی جامعه مرتبط

در کارهایی که محول به اوست، بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس یا طبقه تحصیل کرده، متعهد، روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیر وابسته به کشورهای قدرتمند، استعمارگر و اشتها به تقوی و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده و با علما و روحانیون متقی و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نمایند. داشتن استدلال و برهان که از آن تحت عنوان حجت یاد می شود، در هر کاری برای



انسان صاحب فکر و اندیشه و عاقل از بدیهیات است. انسان هر کاری یا فعلی را که انجام می دهد، باید مبتنی بر دلیل و منطق عقلی و شرعی باشد. دادن رأی و انتخاب یک فرد برای به دوش گرفتن بار مسئولیت سنگینی همچون ریاست قوه مجریه که سعادت یا بدبختی یک ملت را می تواند رقم بزند، به طریق اولی باید بر حجت قاطعی استوار باشد. اگر این ویژگی در رأی دادن ما و انتخاب رئیس دولت یازدهم وجود داشته باشد، علاوه بر سهیم بودن در تمامی خدماتی که این دولت و رئیس جمهور برای جامعه، مردم، کشور و اسلام انجام می دهد، به یک رضایت درونی و آرامش روانی نزد وجدان خود و خدای متعال دست خواهیم یافت که ناشی از انجام تکلیف در حماسه سیاسی است که می تواند محکی باشد برای اینکه آیا ما یک انتخاب مسئولانه داشته ایم یا نه. در این امر هم، نقش هنرمندان به عنوان یکی از قطب های تأثیرگذار در جامعه از دو جهت است. یکی از آن جهت که هنرمندان به عنوان قشر فرهیخته مورد مراجعه مردم هستند و تصمیم و تشخیص آنان را برای خود قبل اغتنام می دانند و از این رو، باید هنرمندان در نهایت آگاهی، بصیرت و وسواس از میان گزینه های تأیید شده، دست به انتخاب بزنند تا دیگران را به اشتباه و گمراهی دلال و راهنمایی نکنند و از سویی دیگر، باید مراقبت نمایند تا در عین مشارکت فعال در خلق حماسه سیاسی و حضور پر رنگ در پای صندوق های رأی در مرز بین تبلیغ و تمرین مردم برای مشارکت و دادن انرژی مثبت به مردم برای حضور در پای صندوق های رأی، از افتادن در ورطه سیاست بازی و مصادره شدن به نفع جریان های سیاسی پرهیز نموده و صلابت و پایداری خود را در مسیر اصول و ارزش های انقلاب اسلامی و ولایتمداری را در حماسه سازی به جهانبان بنمایانند.

توسعه متوازن کشور مورد توجه قرار گیرد. ۴- مبارزه با تورم منفی، یعنی دولت تلاش کند تعادل بین رشد تورم و درآمدها تحقق پذیر شود. ۵- تلاش برای ارتباط گیری منطقی و مستمر با حوزه و دانشگاه و نخبگان علمی اعم از داخلی و خارج از کشور. ۶- تلاش برای حفظ و توسعه ارزش های فرهنگی و اجتماعی جامعه. ۷- توجه به اشتغال به عنوان یک معضل اصلی. ۸- پرهیز از شعارگرایی و توجه به عمل. دولت یازدهم با پرهیز از شعارگرایی باید دولتی

عمل گرا و کارآمد باشد تا اعتماد مردم به وعده های داده شده، تحقق یابد و انگیزه مردم برای دفاع از ارزش های فرهنگی و اجتماعی بیشتر از گذشته شود. ۹- پرهیز از هرگونه موضع گیری های ابن الوقتی و خلق الساعه که موجبات تنش و التهاب در جامعه را فراهم می کند. در بُعد خارجی، دولت یازدهم بایستی روی محورهای متمرکز شود که توان

مقابله با تهاجم تبلیغاتی روانی غرب را داشته باشد و با طراحی و برنامه ریزی از توطئه هایی که به اختلافات قومی و مذهبی کشور دامن می زند، پیشگیری کند. با تبیین اصول دشمن شناسی و شناخت دوستان در نظام جهانی، جلوی زیان های اجتماعی در خصوص منافع ملی کشور را سد نماید. با محور قراردادن حمایت از بیداری اسلامی و دفاع از حق مسلم استفاده صلح آمیز از فن آوری بومی هسته ای دفاع کند، هم فضا و بستر سازی مناسب توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران را برای دشمن را از بین ببرد و هم، آمریکا را در تنگنای نفرت مردم جهان و منطقه، وادار به عقب نشینی از خاورمیانه کند. مقام معظم رهبری در بیانات خود، یکی از وظایف مهم مردم در انتخابات را مسئولانه دانسته و چنین فرموده اند: «ملت و کشور ما بر اثر تلاش دولت های چند سال گذشته، ثروت متراکمی از امکانات به دست آورده است. مدیریت های آینده باید بتوانند این ثروت را افزایش دهند و آن را در زندگی مردم بگسترانند و با فساد به معنای واقعی کلمه مبارزه کنند.» بر همین اساس تک تک مردم با استفاده از حق رأی و انتخاب خود در یک فرآیند آزاد، منطقی و تحقیقی به عنوان خلق حماسه سیاسی نقش دارند. جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مردم سالاری دینی برابرقانون و آموزه های دینی، مصرانه از آحاد مردم انتظار دارد که تمام تلاش خود را برای انتخاب دقیق، مناسب و متناسب با وظایفی که برای منتخب در نظر گرفته شده است، به عمل آورند. حضرت امام خمینی (ره) که بنیان مردم سالاری دینی به دست توانا و تدبیر والای وی و همراهی مردم در ایران اسلامی گذاشته شد، در وصیت نامه سیاسی الهی خود آورده اند: «...هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سراسر کشور،

ارزش واقعی آن است. رهبر معظم انقلاب، همه تلاش خود را در این زمینه به کار گرفته است تا با حضور حداکثری مردم، هم مشروعیت ریاست جمهوری دوره یازدهم را به حد اعلا خود ارتقا دهد و هم، اهداف مورد اشاره زیر در برنامه توسعه نظام که شامل موارد ذیل است، تحقق یابد: ۱- حضور حداکثری مردم در انتخابات، موجب افزایش قدرت و اقتدار ملی شود. ۲- حضور گسترده مردم در انتخابات، موجب دلسردی دشمنان از توطئه علیه انقلاب اسلامی می شود. ۳- حضور اکثریت مردم در انتخابات، به دفع تهدیدات اجتماعی و خارجی که پیش روی نظام است، خواهد انجامید. ۴- حضور اکثریت مردم در صحنه انتخابات، مسئله پاسخ گویی مسئولین را در مقابل مطالبات مردم، جدی تر می سازد. ۵- مشارکت مردم در انتخابات، مسئولین را ملزم می سازد تا از اصول و ارزش های انقلاب اسلامی، دفاع کرده و مسئله عدالت خواهی و زدودن فقر و فساد و تبعیض از جامعه را پیشه اصلی خود در امر حکومت قرار دهند. ۶- حضور گسترده مردم در انتخابات، تأثیر جنگ روانی دشمنان علیه نظام، مسئولین و مشروعیت حاکمیت به حداقل می رسد یا به طور کلی تا حد اکثر ممکن خنثی می سازد و مانع از بستر سازی فتنه گران و منحرفین و مزدوران داخلی علیه نظام خواهد شد. ۷- مشارکت حداکثری مردم در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری می تواند توسعه متوازن، رفاه عمومی و دستیابی به آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی را دست یافتنی تر کرده و اقتدار جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگوی موفق در عرصه حاکمیت مردم سالاری دینی در انقلاب های منطقه ای و جهانی که با عنوان بیداری اسلامی جریان دارد، ارتقاء دهد. مقام معظم رهبری با توجه به شرایط داخلی و خارجی حاکم بر کشور و نظام بین المللی و منطقه خاورمیانه تحقق اهداف نظام را منوط به خلق حماسه سیاسی و اقتصادی از سوی مردم و مسئولین دانسته اند. از این رو، رئیس جمهور یازدهم بایستی صندوق ها و شرایط داخلی و خارجی

جامعه را به خوبی درک کرده و با اتخاذ شیوه عمل گرای، امید بخشی به مردم، اجرای قوانین و پایبندی به آن، بسترهای حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی را فراهم آورد. لذا ضرورت دارد راهبردها و اصول زیر مورد توجه جدی نامزدها در برنامه های خود برای اداره دولت آینده قرار گیرد: ۱- مبارزه با رانت و سوء استفاده از فرصت های اقتصادی ۲- قانون گرایی و الزام دولت به دفاع از قانون اساسی ۳- تلاش برای توسعه سالم و منطقی بخش غیر دولتی. این تلاش باید به طور دقیق و با نظارت حساب شده دولت یازدهم در جهت



است، همواره در استحکام پایه های حاکمیت مردم سالاری دینی ایران، نقش بسزایی داشته و خواهد داشت. در شرایط فعلی، استکبار جهانی با حربه های گوناگون از جمله مشروعیت نظام و مسئولین آن در صدد ویرانی این بنای مستحکم برآمده و تکیه بر کمیّت آراء به مراتب بیشتر از

مناسبت ماه

بسیج هنرمندان استان اردبیل

مهرداد جلیلی کیا، کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، کارشناس ارشد تاریخ اسلام و مسئول انجمن ادبیات داستانی بسیج هنرمندان استان اردبیل

انتظار فرج از نیمه خرداد کشم



رسول نبی اسلام (ص) و برقول پیشوایان شیعه، ۲۷ ماه رجب ۱۳ سال قبل از هجرت است و تاریخ واقعی اسلام، از این روز آغاز می شود که پیامبر اسلام به رسالت مبعوث شدند. با بعثت حضرت محمد (ص)، جهان با نظام تازه ای آشنا شد که در آن، همه مردم برادر و برابر تلقی می شدند و تنها ملاک برجستگی، تقوا بود. بعثت محمد (ص)، تجلی اهداف انبیاء است و از پرتو همین بعثت است که جمهوری اسلامی، به دست ابر مردی از سلاله پاک آن حضرت در ایران امام خمینی (ره) تحقق یافت و هم اکنون، تحت رهبری داهیانه ی حضرت آیت الله امام خامنه ای (مدظله) به حیات پربرکت خویش ادامه می دهد. بیستم خرداد، شهادت آیت الله سعیدی به دست عمال ستمشاهی پهلوی در سال ۱۳۴۹ ه.ش است. این روحانی مبارز و انقلابی، پس از سال ها مبارزه علیه رژیم پهلوی، به دست ساواک دستگیر شد و در زندان قزل قلعه تهران، پس از شکنجه فراوان، به شهادت رسید. مزار این شهید بزرگوار، در وادی السلام قم است. چنین روزی، روز جهانی صنایع دستی نیز نامگذاری شده است. به همین مناسبت در بیستم خرداد سال ۱۳۴۳ مصادف با ۱۹۶۴ م، شورای جهانی صنایع دستی به عنوان نهاد وابسته به یونسکو با حضور ۴۰ کشور جهان در نیویورک تصویب شد و ایران نیز در سال ۱۳۴۷ ه.ش به عضویت آن درآمد. روز بیست و دوم خرداد امسال که مصادف با روز سوم شعبان سال چهارم هجری قمری است، سالروز ولادت دردانه وحی و ولایت حسین بن علی (ع)،

غیرنظامی نسبت به جمعیت آن در کشور، به نام روز مقاومت و پایداری و روز دزفول، نامگذاری شده است. پنجم خرداد، مصادف با ۱۵ رجب مصادف با وفات شیرزن کربلا (س) است؛ نام زینب (س)، همواره قرین صبر و شهادت، ایثار و شجاعت و استقامت و ایمان بوده است. رسالت عقیده بنی هاشم بعد از انقلاب کربلا آغاز می شود تا با افشای فسق و فجور امویان ابعاد گوناگون حادثه عظیم کربلا در اسلام را ابدیت بخشد. همین روز در نیمه رجب سال دوم هجری قمری، به امر خداوند متعال، جبرئیل امین در بین نماز ظهر، بر پیامبر اکرم (ص) در مسجدالنبی فرود آمدند و فرمان خداوند در مورد تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به سوی کعبه مسلمین را، امر فرمودند. روز هفتم خرداد ماه، سالروز تأسیس اولین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۹ ه.ش است. روز چهاردهم خرداد، حادثه بزرگ برای انقلاب اسلامی بود. این روز یادآور مصیبت عظمی و اندوه جانکاه ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) است. این فقیه، عارف، فیلسوف، سیاستمدار و انقلابی بی نظیر تاریخ اسلام که مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه ای (مدظله) در مورد ایشان می فرمایند: «امام خمینی (ره)، کسی بود که اسلام را در عصر معاصر احیا نمود و نهضت اسلامی را در عالم معاصر ایجاد و روحیه غرور و خودباوری را در ملت ایران احیا و اصل مسئله «نه شرقی و نه غربی» را به عنوان یک عملی ممکن اثبات نمود.» در همین روز، پس از ارتحال ملکوتی رهبر کبیر



انقلاب اسلامی، مجلس خبرگان ملت، طی جلسه ویژه ای، تصمیم تاریخی و تعیین کننده خود را در خصوص جانشینی امام راحل و انتخاب رهبر جدید اتخاذ کرد و حضرت آیت الله امام خامنه ای (مدظله) را به این سمت خطیر برگزید و با اعلام این خبر، دل های مسلمان و مومنین جهان، شاد و دشمنان اسلام و انقلاب مایوس شدند. روز پانزدهم خرداد، مصادف است با شهادت هفتمین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت، حضرت امام موسی کاظم (ع). این امام همام، در سال ۱۲۸ ه.ق در مدینه دیده به جهان گشود و امامت ایشان مقارن با ۳ تن از حاکمان مستبد عباسی بود و لقب کاظم (ع) او نیز نشأت گرفته از کظم غیض، گذشت و بردباری آن امام بزرگوار است. همچنین این روز، سالروز قیام خونین ۱۵ خرداد مردم قم در سال ۱۳۴۲ است که به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، با نام اسلام و برای اسلام در ادامه نهضت انقلاب اسلامی به میدان آمدند و علیه نظام ستمشاهی شوریدند؛ این روز، آغاز نهضت مقدس اسلامی است و روزی است که ملت ایران، زیر پرچم اسلام و برای مقابله با دشمنان اسلام و قرآن وارد صحنه شدند و پشت رژیم طاغوت را به لرزه انداختند. هفدهم خرداد، روز بعثت

آغازین روز خرداد ماه امسال، مصادف است با سالروز بزرگداشت ملاصدرا، ملقب به «صدر المتألهین»، بنیانگذار مکتب فلسفی «حکمت متعالیه» است. فیلسوف مسلمانی که منش عالی، اخلاق، تهذیب نفس، دانش و به ویژه فلسفه را یکجا به بهترین وجه ممکن جمع کرده است. روز سوم خردادماه، با میلاد باسعادت امیرالمؤمنین امام علی (ع) شروع می شود؛ در چنین روزی، آفتاب ولایت درسیزده رجب، (۲۳ ق.ه) از افق کعبه با نام علی (ع) دمید و جهان را فروغ و روشنایی بخشید؛ علی مظهر حق و عدالت و جامع کمالات انسانی بود و بر طبق قوی ترین منابع تاریخ، اولین مومن به پیامبر (ص) بوده و در تاریخ اسلام کمتر زمان وحادثه ای را می توان یافت که علی در کنار پیامبر (ص) حضور نداشته است و به قول شهید مطهری، علی (ع)، شخصیتی مخصوص به زمان معینی نیست و بلکه مربوط به تمام ادوار، ابدی، پابرجا و جاودانه است. همین روز، آغاز ایام البیض (اعتکاف) است که در فرهنگ اسلامی روی آوردن به خدا و انس با معبود و معتکف شدن و عبادت در مسجد است. همین روز به عنوان روز مقاومت، ایثار و پیروزی نامیده شده و روز فتح خرمشهر است. در چنین روزی، فتیحه عظیم نصیب لشکریان توحید شده بود و رزمندگان اسلام فتح خرمشهر را با عملیات بیت المقدس با رمز یا علی بن ابیطالب (ع) در مرحله اول آن در ۱۰ اردیبهشت و با رمز محمد بن عبدالله (ص) مرحله نهایی آن را در سوم خرداد ۱۳۶۲ به پیروزی رساندند و خرمشهر که پس از ۳۵ روز مقاومت و پایداری در ۴ آبان ۱۳۵۹ به دست دشمن افتاده بود، پس از ۵۷۸ روز (۱۹ ماه) اشغال در جنگل دشمن، در سوم خرداد ۱۳۶۱ دوباره به آغوش ایران بازگشت و به فرمایش حضرت امام (ره)، «خرمشهر را خدا آزاد کرد.» اما چهارم خرداد، به دلیل مقاومت و ایستادگی مردم دزفول در مقابل موشک باران رژیم بعثی عراق در دوران دفاع مقدس و تقدیم بیشترین شهید



بخارایی، امانی، صفار هندی و نیک نژاد. وقتی حسنعلی منصور نخست وزیر وقت برای تصویب لایحه اخذ قرارداد ننگین نفتی بین ایران و شرکت های آمریکایی و اروپایی توسط شهید بخارایی، ترور شد، ساواک آنها را دستگیر کرد و در یک دادگاه فرمایشی به اعدام محکوم شدند و سرانجام در بیست و ششم خرداد ۱۳۴۴ ه.ش این فرزندان شجاع و برومند اسلام، در راه پاسداری از ارزش های متعالی عاشقانه، به شهادت رساند. روز بیست و هفتم خرداد، مصادف است با روز جهاد کشاورزی و تشکیل جهاد سازندگی به فرمان امام راحل در سال ۱۳۵۸ ه.ش که به منظور فراهم آوردن نهضتی همه جانبه برای مبارزه با فقر و محرومیت به جا مانده از رژیم گذشته و توسعه عمران روستایی به وجود آمد. روز بیست و نهم خرداد، سالروز شهادت مرحوم دکتر علی شریعتی، نویسنده و جامعه شناس است که به خاطر مبارزات و فعالیت هایش علیه رژیم پهلوی در حسینیه ارشاد تهران، بارها دستگیر و شکنجه شد و سرانجام در بیست و نهم خرداد سال ۱۳۵۶، به طرز مشکوکی در شهر ساوت همپتون انگلستان درگذشت و بعد از حمل جسدش به سوریه، در کنار حرم حضرت زینب (س) دفن گردید. سی ام خرداد، مصادف است با روز ولادت حضرت علی اکبر (ع) فرزند امام حسین (ع) است که به نام روز جوان نامگذاری شده است. حضرت علی اکبر (ع)، شبیه ترین فرد به رسول اکرم (ص) بود و در صحرای کربلا شربت شهادت را نوشید. در همین روز، تعدادی از زائران حرم رضوی (ع)، به دست ایادی آمریکا در عاشورای حسینی سال ۱۳۷۳ ه.ش در اثنای زیارت ضریح مقدس حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در مشهد، در بارگاه ثامن الحجج به شهادت رسیدند. آخرین روز ماه خرداد، مصادف با شهادت شهید دکتر مصطفی چمران، بنیانگذار ستاد جنگ های نامنظم در جنگ تحمیلی با رژیم بعثی عراق و هماهنگ کننده نیروهای ارتش و سپاه و نیروهای داوطلب مردمی است که در منطقه حضور داشتند. ایشان درسی و یکم خرداد ۱۳۶۰ ه.ش، در مسیر دهلاویه - سوسنگرد شربت شهادت نوشیدند و در مقام یک استاد بسیجی، الگوی همه دانشجویان و دانشمندان در عرصه های علمی و دانشگاهی و فعالیت های فرهنگی شدند. سالروز شهادت ایشان، روز بسیج استادی نامگذاری شده است.

سیب ستان (شهدای هنرمند)

بسیج هنرمندان استان بوشهر

هنرمند شاعر، شهید قاسم مزیری فرد

وظیفه همه مسلمین و انسان های آزاده است که به دفاع برخیزند

«لا اله الا الله» بر تمام جهان طنین نیفکنده، مبارزه را ادامه دهند.

از اشعار شهید

خوشا روزی که عمر من سرآید به آسانی زتن جانم برآید
مرا صد بار خائب دخمه گور از این زندان دنیا خوشتر آید
به یک غمزه دل و دینم ربودی مرا آواره و مجنون نمودی
مگر جانا چه بردیدی زخائب که هر دم درد بر دردم افزودی

ز هجرت بر شیبی چندان بگرید چشم غمناکم
که سیلاب سرشک از جای بردارد چو خاشاکم

اسلامی، خدمات فراوانی را در پاسداری از آن روا داشت و با همکاری افتخاری در کمیته امداد امام خمینی (ره)، به خدمت این ولی نعمتان درآمد و چهار سال با خلوص نیت در این وادی خدمت نمود. پس از شروع جنگ تحمیلی نیز به عنوان تخریبچی، رهسپار جبهه نبرد شد و سرانجام در ۱۳۶۲/۱/۲۲ در عملیات والفجر یک، در منطقه فکه، به فیض عظمای شهادت نایل گردید و شیرینی شربت شهادت را به نوش جان تسلیم کرد.

بخشی از وصیت نامه شهید

وظیفه همه مسلمین و انسان های آزاده است که به دفاع برخیزند و با پیروی از خط سرخ امام خمینی که همان راه حسین یعنی خط سرخ شهادت است دشمنان خارجی و داخلی را سر جای خود بنشانند و تا بانگ

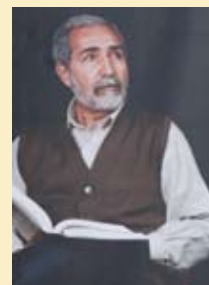
شهید قاسم مزیری فرد، در سال ۱۳۳۲ در شهرستان بوشهر، در میان خانواده ای متدین و مذهبی دیده به جهان گشود. دوران کودکی را با سختی پشت سر گذاشت و پس از اخذ دیپلم، در اداره آموزش و پرورش استان مشغول به خدمت شد. شهید قاسم مزیری فرد، در شعر و نقاشی، هنرمندی توانا بود و خطی خوش و زیبا داشت. در عرصه مبارزات انقلاب اسلامی، طبع خستگی ناپذیر او با پخش اعلامیه و پوستره های امام در بین مردم، روح مبارزه طلبی او را در مسیر حق و عدالت خواهی هدایت می کرد. پس از پیروزی انقلاب



به بهانه درگذشت امیرحسین فردی، نویسنده متعهد انقلاب و رئیس انجمن ادبیات داستانی سازمان بسیج هنرمندان

امیرحسین فردی، رفت ... آقا جان مهربان همه بچه‌ها

زهرة بزدان پناه



غروب پنجشنبه بود که خبر را شنیدم؛ پنجم اردیبهشت؛ از دهنادی. تا صدایش را از پشت تلفن شنیدم، شروع کردم به گله کردن که چرا عکس هایی را که برای «نارنجستان هنر» شماره قبل می خواستم برایم ایمیل نکرده است؛ حرف هایم که تمام شد، توضیح کوتاهی داد و بعد گفت: «خبر کوتاهی در سایت دیده ام، نمی دانم، چقدر صحت دارد؛ می خواستم بدانم که شما هم، خبر دارید یا نه؟» گفتم: «کدام خبر؟!» گفت: «امیرحسین فردی، به رحمت خدا رفت...». یک لحظه ماندم که چه بگویم؛ انگار که آب سرد روی سرم ریخته باشند. فقط توانستم بگویم، الان با خانه شان تماس می گیرم تا ببینم، چه خبر است. گفت: «پس، به من هم خبر بدهید.» با منزل آقای فردی که تماس گرفتم، مریم گوشی را برداشت؛ دختر بزرگ امیرحسین فردی، وقتی صدایم را شنید، زد زیرگریه؛ گفت: «دیدید چطور بود! آقا جانم رفت.» مریم می گفت و گریه می کرد و من، هم گوش می کردم و هم، در پشت اشک می ریختم. گوشی را که گذاشتم، به دهنادی زنگ زدم؛ گفتم: «خبر، صحت دارد، امیرحسین فردی...» وقتی داشتم ماجرای چگونگی فوتش را تعریف می کردم، بغض دوباره گلویم را گرفت؛ دیگر نتوانستم ادامه بدهم. یاد زمانی افتادم که در بیمارستان بستری شده بود؛ می خواستند قلبش را عمل کنند. به دیدنش رفتم؛ در بیمارستان کسری، روز قبل از عمل. هفته گذشته هم با دفترش تماس گرفتم تا در مورد نامه دعوت آقای امیرنصیری، مدیر امور انجمن های فرهنگی - هنری و ادبی سازمان بسیج هنرمندان و موضوع دعوت اعضای شورای همه انجمن های مرکزی سازمان بسیج هنرمندان از جمله انجمن ادبیات داستانی، به مراسم روز ۱۱ اردیبهشت صحبت کنم. آخرین باری هم که دیدمش، ۲۷ اسفند بود، در آخرین جلسه شورای ادبیات داستانی سازمان بسیج هنرمندان که ایشان، به عنوان مسئول انجمن ادبیات داستانی سازمان بسیج هنرمندان در آن حضور داشت؛ یک هفته قبلش هم، در سفر به ارومیه بودیم؛ در ۲۰ اسفند؛ برای شرکت در جلسه شورای ادبیات داستانی بسیج هنرمندان که به صورت منطقه ای در ارومیه تشکیل می شد. موقع برگشتن، در هواپیما، گفت: «راستی، از پرونده شکایت تان و ماجرای آن فیلم مستندان، چه خبر؟» گفتم: «به رغم تلاش برای رواج اخبار جعلی شان به عنوان پیامد شکایت آنها، شکایت شان به جایی نرسید؛ حالا، من شاکي ام.» به فکر فرو رفتم؛ گفتم: «دنیا همین است؛ کوچک و حقیر. مرگ هم، نزدیک، ای کاش، همه مان این را بدانیم. من خیلی بابت این مشکلی که برای شما پیش آمد، ناراحتم. بعضی وقت ها، بدجوری ذهنم را مشغول می کند. حالا شما، ناراحت نباشید، بالاخره خدا بزرگ است.» بعد از مادرش گفت که ۱۲ مهر ۹۰، به رحمت خدا رفته بود و امیرحسین فردی، خیلی دوستش داشت و تا آخرین لحظه عمرش، او را در کنار خودش نگه داشته بود. به رغم اینکه امیرحسین فردی، سال ها عهده دار دبیری جشنواره های مختلف ادبیات داستانی سازمان بسیج هنرمندان بوده است، اما سال گذشته، بیماری مادر، انگار او را از حال و حوصله انداخته بود و نمی گذاشت که مسئولیت هفتمین جشنواره را به دوش بکشد و حتی به دلیل همین بیماری مادرش، نتوانست در مراسم هفتمین جشنواره ادبیات داستانی بسیج هنرمندان در گرگان، حضور داشته باشد. بعد،

عزیز من امیرحسین فردی



عزیز من امیرحسین فردی

زندگی کرده است و فقط بنای بیرونی اش را بازسازی کرده‌اند. بیرون منزل، رسول فلاچپور را دیدم؛ یار دیرینه امیرحسین فردی از زمان قبل از انقلاب در مسجد جوادالائمه (ع) تا کیهان بچه ها و حوزه هنری و ... با هم، احوالپرسی کردیم، با دستمالی اشک هایش را پاک کرد و گفت: «می بینید، آقای فردی هم، رفت. به همین راحتی!» بعد حافظ را دیدم؛ پسر بزرگ امیرحسین فردی. تا مرا دید، سلام کرد و بعد، گوشه ای ایستاد و آرام اشک ریخت. در همان بیرون منزل، ایستاد و از پدر گرفت. اینکه سرما خورده بود؛ اینکه غروب روز قبل، دچار مشکل تنفسی می شود و اورژانس خبر می کنند؛ اما وقتی اورژانس می آید، می گوید که مشکلی نیست و فقط، سرما خوردگی ساده است. اینکه بعد از رفتن اورژانس دوباره دچار مشکل تنفسی می شود؛ بچه ها سعی می کنند که او را به درمانگاه سرخیابان برسانند؛ درمانگاه فرهاد، در همان ۱۶ متری امیری؛ خودش، کتس را می پوشد و با پاهای خودش به سوی ماشین می رود و در آن می نشیند. عارف و مریم هم، همینطور. حافظ هم، اما به سرکوجه نمی رسند، که ناگهان نفسش بند می آید. حافظ دستپاچه می شود؛ با نگرانی می گوید: «آقا جان! آقا جان!» اما آقا جان، دیگر جواب نمی دهد. به سرعت او را به درمانگاه می برند که احیا کنند. از درمانگاه، زنگ می زند، همان افراد از اورژانس می آیند؛ اما دیگر فایده ای ندارد؛ آقا جان، رفته است. بچه ها دورش را می گیرند و اشک می ریزند. وقتی داخل منزل رفتم، همسر مهربان و نجیب امیرحسین فردی را دیدم؛ همدیگر را بغل کردیم؛ بی تابی می کرد؛ خیلی. مریم هم، تا مرا

دید، دوباره زد زیرگریه. مهتاب هم بود؛ دختر کوچک امیرحسین فردی. پهلویم نشستند، مریم، اشک می ریخت و از پدر می گفت؛ از آقا جان که این روزهای آخر، انگار می دانست که می خواهد برود. می گفت: «سرما خورده بود. روز چهارشنبه، حافظ او را به دکتر برده بود. من طاقت نیاوردم و به تلفن همراهش زنگ زدم، تا صدایم را شنید، گفتم: «حالم خوب است؛ الان هم داریم از پله های مطب پایین می آییم.» بعدش هم، یک دفعه شروع کرد به فریاد صدقه رفتن من. خیلی تعجب کردم. گفتم: «آقا جان! چرا اینطوری می کنی؟!» گفت: «مگر، چطوری می کنم!» همان شب هم، کنار هم که نشسته بودیم، من سرم را روی شانه هایش گذاشتم؛ او هم، صورتش را روی صورتم گذاشت؛ من قربان صدقه او می رفتم و او هم، قربان صدقه من. مریم می گفت: «هر وقت از چیزی دلم می گرفت، به دفترکارش می رفتم. می نشستیم، باهم یک چایی می خوریم، بعدش هم، پیاده تا منزل می آمدیم؛ وقتی به خانه می رسیدیم، من دیگر حالم خوب شده بود. دیروز هم، وقتی دچار مشکل تنفسی شد، مهتاب در اتاق بالا، داشت درس می خواند؛ برای کنکور. من آقا جان را بغل کردم و گفتم: «تترس، آقا جان! تترس.» گفت: «من نمی ترسم، فقط ننگارید، مهتاب بفهمد، کنکور دارد، من از او موفقیت در کنکورش را می خواهم.» می گفت: «انگار آقا جانم می دانست که می خواهد برود؛ از وقتی مادر بزرگم به رحمت خدا رفته بود، خیلی بی تابی می کرد؛ سعی می کرد کارهای نیمه تمامش را تمام کند. در این اواخر می گفت: «من، خیلی کارهای نیمه تمام دارم، باید تمام شان کنم. فرصت زیادی ندارم.» مریم می گفت: «در اوج ناراحتی، وقتی می خواست در کیهان بچه ها، برای بچه‌ها بنویسد، غم و غصه را در نوشته هایش دخالت نمی داد. من نمی توانستم مثل آقا جانم بنویسم، من اگر از چیزی ناراحت بودم، همه ناراحتی و غم و غصه هایم، در نوشته هایم معلوم می شد، اما آقا جانم، اینطوری نبود.» بعد، اشک های روی گونه هایش را با دستمالی گرفت و گفت: «آقا جانم، خیلی خوب بود، خیلی نجیب بود، خیلی با حیا بود. همیشه نگران ما بود. آقا جانم، خیلی مهربان بود.» آخرین حرفش هم، این بود: «دعا کنید همه مان عاقبت به خیر شویم تا آقا جانم، خوشحال شود.» با خودم فکرمی کردم: «امیرحسین فردی، فقط آقا جان مهربان مریم و مهتاب و حافظ و عارف نبوده است؛ او، آقا جان مهربان همه بچه ها بوده و هست.» دوره طولانی مدیر مسئولی و سردبیری اش در کیهان بچه ها؛ آثار و نوشته هایش برای بچه ها، برای کودکان و نوجوانان، کتاب های «سیاه چمن»، «آشپانه درمه»، «یک دنیا پروانه»، «گرگ سالی»، «کوچک جنگلی»، «اسماعیل» که جلد

دوم آن زمان رفتنش، زیر چاپ بوده است و امیرحسین فردی، بنا به گفته دخترش مریم، مشغول مطالعات اولیه نوشتن جلد سوم آن بوده است و همه فعالیت هایش در عرصه ادبیات داستانی حوزه هنری و سازمان بسیج هنرمندان، گویای این است که امیرحسین فردی، زاده پنجم مهر ۱۳۲۸ روستای قره تپه اردبیل در دامنه های سیلان و نویسنده متعهد انقلاب، آقا جان همه بچه ها بوده است. کم در ایران و هم، در همه گوشه های جهان. نویسنده پیشکسوت ادبیات انقلاب اسلامی و مسئول انجمن ادبیات داستانی سازمان بسیج هنرمندان که یکی از بنیانگذاران حوزه هنری بود که در سمت مدیر مرکز آفرینش های ادبی این نهاد خدمت می کرد و به طور همزمان، سه دهه مدیر و سردبیر مجله کیهان بچه‌ها بود. مسئول شورای نویسندگان مسجد جوادالائمه (ع) بود و بنیانگذار و مسئول جشنواره شهید غنی پور؛ نویسنده ای که نقش زیادی در اعتلای داستان نویسی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس داشت. عضویت در شورای داستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، عضویت در شورای داستان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، مدیریت کارگاه قصه و رمان حوزه هنری، عضو هیئت نظارت بر کتاب کودک، عضو شورای خرید کتاب وزارت ارشاد، عضو هیئت مدیره بنیاد ادبیات داستانی، عضو کمیته ارزشیابی هنرمندان و عضو علمی جایزه جلال آل احمد، از دیگر سوابق امیرحسین فردی بوده است. داوری برای کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، کتاب سال شهید حبیب غنی پور، جشنواره ادبیات داستانی بسیج، جشنواره راهیان نور، انجمن قلم ایران، جشنواره قصه های قرآنی از تجربه های دیگر وی بود. امیرحسین فردی، از جمله نویسندگان انقلابی و بایصیرت در فتنه ۸۸ بود و روشننگری های بسیاری در این زمینه داشت. مراسم تشییع، صبح روز شنبه هفتم اردیبهشت ۱۳۹۲ است. پیکر امیرحسین فردی، ساعت هشت و نیم صبح، از جلوی مسجد جوادالائمه (ع) در همان نزدیکی منزلش، به سوی حوزه هنری تشییع می شود و از همانجا، به بهشت زهرا که در قطعه هنرمندان، برای همیشه آرام بگیرد. مسجدی که از سال ۵۳، مرکز فعالیت های فرهنگی - هنری و ادبی امیرحسین فردی بوده است و چندین نویسنده و هنرمند پرورش می دهد و به عرصه ادبی و هنری روانه می کند و جشنواره شهید حبیب غنی پور هم، از همانجا شکل می گیرد و با مسئولیت خود وی، به ثمر می نشیند و سال به سال، با شکوه تر از سال قبل، برگزار می شود. روز تشییع، خود را جلوی مسجد جوادالائمه (ع) می رسانم. عده ای آمده اند و جلوی مسجد ایستاده اند آن سوی خیابان، درست رو به روی مسجد، مجتبی مبارکی و داوود دهاقین، از بچه های دفتر امور انجمن های سازمان بسیج هنرمندان را می بینم؛ سخت مشغول هستند. دارند، تبری را که به مناسبت درگذشت امیرحسین فردی، از سوی سازمان بسیج هنرمندان تهیه دیده اند روی دیوار، نصب می کنند. سلام و احوالپرسی می کنم و خسته نباشید، می گویم. مبارکی می گوید: «خدا را شکر که



کوچه باغ «ادبیات داستانی»

حبیب احمدزاده، نویسنده دفاع مقدس و عضو شورای مرکزی انجمن ادبیات داستانی سازمان بسیج هنرمندان

آزادی خرمشهر، نقطه عطف زندگی من بوده است

سیدرضا آباقی



عکس: سیدرضا آباقی

خواهش بیرون نمی رود. اگر شما بگویید هر نوع جنگی، بد است مانند این است که گلبول های سفید را از بدنتان اخراج کنید. این است که ما باید تعریف خودمان را از جنگ تصحیح بکنیم. آنها کشتار راه می اندازند ولی بلد هستند از شعارهای دلفریب استفاده کنند، ولی ما فقط دفاع کردیم. ولی متأسفانه به علت عدم هوشیاری بعضی از مسئولان نسبت به کلماتی که استفاده می کنند، داریم به تعریفی از جنگ می رسیم که انگار ما شده ایم جنگ طلب! ما باید نشانه های زبانی را بشناسیم. ما باید بفهمیم که یک کلمه در دنیا چه بار معنایی دارد. خیلی از نشانه ها و حرکات در کشورهای خارجی ممکن است به معنای احترام باشد اما در کشور ما فحش و ناسزا تلقی شود. ما باید به دنیا بفهمانیم که ما نجنجیدیم. ما جلوی جنگ ایستادیم.

اصلاً چطور شد که خرمشهر سقوط کرد؟

علت سقوط خرمشهر خیلی پیچیده نیست. در آغاز جنگ عدم هماهنگی و سازماندهی قوا وجود داشت. من فکر نمی کنم دشمن قدرت زیادی داشت. همان سه چهار روز، مقاومت نشان داد که دشمن قدرت خیلی زیادی ندارد. بزرگترین خیانت بنی صدر، غرور و خودپسندی او بود که به نیروهای مردمی اعتماد نداشت. آدمیهایی که نگاه کلاسیک دارند، هیچ وقت نمی توانند معجزه انسانی و ایمانی را باور کنند. در مورد قدرت ارتش ایران حتی قبل از انقلاب هم غلو شده بود. همه قدرت یک ارتش، به ادوات زرهی آن است. ارتش ما ۸۰۰ فروند تانک چقیقت داشت که اصلاً مناسب دشت های ایران نبود و بعد از ۵ کیلومتر حرکت جوش می آورد. خود اسلحه ۳ بعد از شلیک ۱۰ گلوله گیر می کند. چطور ما می توانستیم با این تجهیزات مقابل ارتش عراق بایستیم. یادم هست بچه هایی که آن موقع به عنوان نیروی کمکی می رفتند، بعد از چند روز جنگیدن، شنبهایی برمی گشتند پشت جبهه. دشمن این را فهمیده بود و نیروهای چریکی و کماندوهای خود را در تارکی پیشروی می داد. به هر حال همه این عوامل، باعث شد خرمشهر سقوط کند.

دستور خاصی برای عقب نشینی از خرمشهر بود یا واقعاً دیگر نمی شد از شهر دفاع کرد؟

اصلاً عقب نشینی در کار نبود. عقب نشینی یک افسانه است که بعضی از خودی ها ساخته اند. ما جز رادیو آبادان، وسیله ارتباطی همگانی نداشتیم که بخواهیم عقب نشینی کنیم. بی سیمی در کار نبود که کسی به همه بگوید، عقب بنشینید. اصلاً بی سیمی به آن صورت نبود که عقب نشینی کند. به نظر من عقب نشینی زمانی معنا دارد که شما نیروی عمده و سازماندهی شده ای داشته باشید و به آنها دستور عقب نشینی بدهید. خوب وقتی نه وسیله ارتباطی وجود دارد نه نیروی آن چنانی عقب نشینی دیگر معنایی ندارد. منظور من این نیست که هر چه من می گویم درست است، حتماً عوامل دیگری هم بوده است. البته تعدادی بی سیم هم بود. بی سیم، باتری هم می خواهد. نیروی دریایی، تعدادی بی سیم موتورولا داشت که باید هر روز شارژ می شدند. نه برق آن چنانی بود که بشود اینها را شارژ کرد، نه نیرویی که وقت این کار را داشته باشد. بهترین بی سیم دنیا هم، بدون باتری به هیچ دردی نمی خورد؛ به همین دلیل می توان گفت، رادیو آبادان یا رادیو نفت ملی، در این زمینه محوریت داشت.

مسجد جامع خرمشهر شما را یاد چه خاطراتی می اندازد؟

مسجد جامع خرمشهر، یک نماد است. وقتی به خرمشهر می رفتیم، احساس می کردیم که باید خودمان را به مسجد جامع برسانیم. همه فعالیت ها حول محور مسجد جامع بود. البته همین هم، یکی از اشتباهات ما بود. دشمن به خوبی متوجه شده بود که مسجد جامع تبدیل به یک نقطه مرکزی برای ما شده است که انصافاً در کتاب «دا» به این نکته به خوبی اشاره شده است. من یادم هست، وقتی خرمشهر دست عراقی ها افتاد، از این طرف رودخانه کارون که با دوربین نگاه می کردیم، به دنبال هیچ جایی نبودیم به غیر از مسجد جامع شهر. دوست داشتیم گنبد و گلدسته

باید طعمه مناسب بگذاریم. باید بفهمیم که اشکال کار ما کجاست. چنین چیزی در بعضی از مسئولان فرهنگی ما تبدیل به یک اپیدمی شده است.

خب، پیشنهاد شما برای رفع این مشکل چیست؟

من نمی گویم مسئولان فرهنگی ما آدمهای بدی هستند، می خواهم بگویم که این کاره نیستند. من اگر روزی پیش مقام معظم رهبری بروم با ایشان این مسئله را در میان خواهم گذاشت. مسئولان فرهنگی ما هیچ وقت از خود، این سوال را نمی پرسند که چرا با این همه امکانات و پول بیت المال، حتی نمی توانند روی یک بچه هم، تأثیر بگذارند. یا باید بگویند دین اسلام نمی تواند تأثیر گذار باشد یا بگویند ما بلد نیستیم این کار را انجام دهیم. جواب این سوال کاملاً روشن است. این نوع نگرشی که مسئولان فرهنگی ما دارند، مناسب نسل جوان نیست. آنها هیچ وقت نمی گویند که ظرف ما غلط است؛ بلکه همه غلطها را به گردن مظلوف می اندازند. باید روشپایشان را عوض کنند. من احساس می کنم باید مردم را او آکسینه کرد. شما نمی توانید با یک قرنطینه دروغین، مانع ورود ویروس سرماخوردگی به کودکان شوید. ما به فکر ساختن و آکسن هم نیستیم. من نه به افراطی گری روشن فکرها معتقدم که بی حیایی و پرده دری می کنند، نه به این قرنطینه دروغینی که راه انداخته ایم. این قرنطینه باعث شده که یا افراد را کارخانه خودشان را قرنطینه ای نشان بدهند یا اگر هم واقعا در قرنطینه باشند، بعدها با کوچکترین میکروبی سرطانی می شوند. باید نوع نگاهمان را به مسایل عوض کنیم. ما چه الگوهایی را به جامعه داده ایم؟ ببینید، مثلاً داستان حضرت یوسف در قرآن به احسن القصص معروف است. اگر زیخا نباشد، شخصیت حضرت یوسف به خوبی شناخته می شود؟ حضرت یوسف یک استثناست. اگر همه مثل حضرت یوسف بودند که دیگر او حضرت یوسف نمی شد. یک انسانی می شد مثل بقیه انسان های دیگر. تمام شرایط



گناه برایش فراهم است، اما گناه نمی کند. حالاتوی دنیایی که حضرت یوسف را نشان دادند و همیشه زیخاها را شناخته اند، اگر شما داستانی تعریف کنی فقط بگویی زیخایی بود، آیا داستان شما احسن القصص می شود؟ جنگ هم همین طور است. رزمنده های ما، یک استثنا وارد شدند، فساد کردند. ما باید این استثنا را برای دنیا به درستی تعریف کنیم. اگر این استثنا را درست تعریف نکنید، یوسف شما می شود مثل بقیه آدمهای دنیا. حالا دو دسته تعریف داریم. گاهی می گویم، فقط یوسف بود و زیخا نبود و گاهی می گویم فقط زیخا بود و یوسف نبود. دنیا فقط فجایع و زشتی جنگ را می بیند و ما هنوز آنها را متوجه نکرده ایم که بچه های ما یک استثنا بوده اند. تعریف ما از جنگ باید یک تعریف جهانی باشد. متأسفانه بعضی از مسئولان، تعریف بسته خود را از جنگ دارند. ما برای دو دسته کاری کنیم یکی نسلهای بعدی خودمان و دیگری برای همه آدمهای دنیا. به هر حال اگر یوسف تنها باشد، می شود این که رزمندگان اسلام، همه خوب بودند و هیچ

های مسجد جامع را ببینیم. به این فکرمی کردیم که آیا روزی می شود که دوباره مسجد جامع به دست ما بیفتد.

حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد.» به نظر شما چرا حضرت امام (ره)، چنین جمله تاریخی را گفتند؟

چون باورمان نشد که خودمان این کار را کردیم. چون گاهی آدمها را غرور می گیرد. سه عملیات بزرگ برای آزادسازی خرمشهر انجام شد که یکی از آنها عملیات بیت المقدس بود. همه گیر کرده بودند؛ از یک لحاظ همه کم آورده بودند. آن جاست که وقتی همه درها به رویت بسته می شود زمینی ها را راه می کنی و می روی سراغ خدا. حضرت امام (ره) که با کسی تعارف ندارد. حضرت امام این جمله را گفتند که بعداً این صحبت ها پیش نیاید که من خرمشهر را آزاد کردم، من فرمانده لشکر بودم، من فلان کار را برای آزادی خرمشهر کردم. آدم است دیگر، مغرور نشود.

چه خاطراتی از لحظه آزادی خرمشهر دارید؟

قطعا آزادی خرمشهر، مثل همه برای من هم شیرین بوده است. اگر از من بپرسند چند نقطه عطف در زندگی ات داری، می گویم که یکی از آنها لحظه ورود حضرت امام (ره) به کشور بوده و یکی دیگر از آنها، همین آزادی خرمشهر بوده که یکی از نقطه عطف های زندگی من بوده است. من روز آزادی خرمشهر، تیر خوردم. تیر دشمن به بازوی چپ من اصابت کرد و مجروح شدم. من بالای دکل بودم. پتروشیمی بصره و پلی که عراقی ها رو به شلمچه زده بودند را، زیر نظر داشتم. دو کیلومتر با خرمشهر فاصله داشتم. چند بالگرد دشمن آمدند در فراز گاه، پشت ما فرود آمدند. من آتش را به سمت آنها هدایت کردم. یکی از آنها رفت به سمت خرمشهر. همان موقع بود که اعلام شد خرمشهر آزاد شد. وقتی خرمشهر آزاد شد من روی دکل دیده بانی می کردم. خیلی خوشحال بودم. وقتی تکه ای از جگر شما را می کنند و می برند چه احساسی دارید؟ من نسبت به خرمشهر، این احساس را داشتم. به هر حال، خرمشهر به ایران برگشت. ما آبادانی ها، همیشه آرزوی می کردیم کی می شود از جاده آبادان - ماهشهر یا آبادان - اهواز، یک ساعت به خانه برگردیم. چون تمام این جاده ها، توسط دشمن مسدود شده بود. احساس می کردیم الان همه ملت ایران خوشحالند. مثل بازی ایران و استرالیا که هی ضربه خورده بودیم و نشده بود به جام جهانی برویم تا که این که یکبار به جام جهانی رفتیم. البته آزادی خرمشهر، در یک ایام

بسیار وسیع تر از مظلومیت و ایمان، قابل فهم است. من این را فقط برای مثال گفتم.

با توجه به این تجربیاتی که از دوران جنگ تحمیلی به دست آورده اید، چه کارهایی برای ما و نسل آینده می توانید انجام دهید؟ به نظر شما ارزشهای دفاع مقدس، به نسل امروز منتقل شده است یا نه؟

حکایت ما شده مثل آن پیرزنی که می خواست یوسف را بخرد. برای این که بتوانیم جزو خریداران باشیم، باید بیشتر از این تلاش کنیم. البته خود من در صف خریدارها نیستم. دوست دارم از ارزشها خریداری شود و برای رسیدن به این هدف، تلاش خودم را مضعاف کرده ام. ما مثل مغازه داری شده ایم که ماهی هزار تومان هم فروش نمی کنیم؛ ولی آن قدر انصاف و جرئت نداریم که از خود بپرسیم، چرا فروش نمی کنیم. ما مثل ماهی گیری هستیم که فقط قلاب توی آب می اندازد و فکر می کند همه وظیفه اش، فقط انداختن قلاب است. ما هیچ وقت به این فکر نمی کنیم که چرا ماهی ها، قلاب را نمی گیرند. من می گویم

کوچه باغ «ادبیات داستانی»

عیبی نداشتند و اگر زلیخای تنها باشد، تمام جنگ به زشتی تبدیل می شود. باید یک دیالکتیکی بین این دو برقرار باشد. ولی وقتی ما می ترسیم اسم زلیخا ببریم، آن وقت دنیا نمی فهمد که بچه های ما چه استثناهایی بودند. این داستان به من می گوید که یوسف باش. من اینها را برای چه گفتم؟ ما باید به جامعه خود الگو بدهیم. الگوهایی که ما از رز زندهگان داریم، چه بوده است؟ یک گروه از آنها هستند که مثلا قطع نخاعی هستند و دارند شهید می شوند. دسته دیگر کسانی هستند که تا به دنیا رسیدند، فاسد شدند. دسته سوم هم کسانی هستند که دارند توی سر خود می زند که ای کاش جنگ تمام نشده بود. شما با خودت می گویی اگر آخر و عاقبت اینها این است، من چرا باید این راه را بروم؛ اینها که در کار خودشان مانده اند. این دروغ است! به نظر می رسد ما حدود سه و نیم میلیون نفر جبهه رفته داشته باشیم. میان آنها آهنگری هم بوده است که هل من ناصری شنیده است و به جبهه رفته است و بعد از جنگ هم، دوباره به شهر خود برگشته و آهنگری کرده است. ما اینها را توی داستانها و فیلمهایمان لحاظ نمی کنیم. ما حتی آنهايي که این همه مدارج علمی را فتح کرده اند، نشان نمی دهیم. چرا؟ چون ما دچار یک مرضی به نام مظلوم نمایی دروغین هستیم. ما کیف می کنیم بگویم مظلوم هستیم. حتی برای رهبری درمی آورند که آقا تنهاست، کسی را ندارد، گریه می کنند. این حرفها دیگر چیست؟! خداوند چیزی به نام قدرت به ما داده است که باید به درستی از آن استفاده کنیم. من معتقدم حتی نوع نگاه بعضی از مسئولان، به دین هم اشتباه است. دین چه قدر قدرت دارد؛ چه قدر می تواند انسان ساز باشد؛ باید شرایط را طوری فراهم کرد که دین بتواند متبلور شود.

تعریف آنها از دین فقط به درد فرار از مسئولیت می خورد. تعریف آنها از انسان هم غلط است.
حضور شما در جنگ تحمیلی، چه قدر در خلق آثار توسط شما، موثر بوده است؟
 حتماً خیلی تأثیر داشته است. من از خیلی از ارزش ها دفاع کرده ام که همه آنها را در دفاع مقدس به دست آورده ام. من حتی وقتی دارم در مورد صادق هدایت هم کاری کنم، این ارزش ها را در نظرمی گیرم. من حبل الهی دارم که آن را در دفاع مقدس به دست آورده ام و همه چیز را با آن را قیاس می کنم. چه چیز جهان شمولی می تواند شما را در همه سختی ها و ناملایمات از میان طوفان ها سالم گذر دهد؟ باز می رسم به همان حبل الهی که در دفاع مقدس آن را به دست آورده ام. هر کاری که من می کنم یک پشتوانه و ستون خیلی محکمی دارد که از ارزش های دفاع مقدس ساخته شده است.
سازمان بسیج هنرمندان چه قدر می تواند در ترویج این ارزش ها نقش داشته باشد؟
 سازمان بسیج هنرمندان، اول باید سیستم خودش را توجیه کند. مشکل این سازمان تابلوی آن است. کار من اگر تابلو نداشته باشد خیلی بیشتر روی مردم تأثیر می گذارد.



اول باید تعریف درست بسیج را برای جوانان و نوجوانان جا بیندازیم. آقا، یک نماد از چفیه معرفی کرده است، ما باید این نماد را عینی کنیم. ما آزادی یک بسیجی را گذاشته ایم کنار و کلابه چیزهای دیگر توجه می کنیم. از نظر من بسیجی کسی است که دلش به خاطر دین و مملکت خودش می سوزد. با این تعریف باید دایره خودمان را وسیع تر کنیم. ما باید نسبت به مقوله فرهنگ توجه بشویم. من نامه ای به زبان انگلیسی به ویل راجرز - فرمانده ناو آمریکایی که ایراس ما را مورد هدف قرار داد - نوشتم که یکی از آمریکایی ها در پاسخ به من گفته است: «خفه شو، به تومربوط نیست.» من این نامه را در کتاب خودم آورده ام. به من می گویند این واژه «خفه شو» را از کتابت باید حذف کنی. این داستان نیست؛ این تقابل دو فرهنگ است. من چه طوری باید نشان بدهم که این آقای آمریکایی بی ادب است. ما با بعضی مسائل خیلی بسته برخورد می کنیم.
شما در سال های اخیر، دو فعالیت فرهنگی گسترده داشته اید، یکی گروه صلیبی که در زمینه فاجعه ایراس در بین هنرمندان راه انداخته اید و دیگری گسترش مطالعه کتاب «دا» در بین زندانیان. این فعالیت ها با چه هدفی انجام شده و چه تأثیراتی

داشته است؟
 این طبیعی ترین کاری است که باید انجام می دادم. شما باید از من سوال کنید که چرا این کار را نباید بکنید. من بعد از جنگ رفتم نیروی دریایی. از لحاظ درجه ای می شوم کاپیتان نیروی دریایی. زمانی متن نامه ای که به ویل راجرز نوشتم بودم، زدم روی دیوار دانشگاه. دیدم خیلی از دانشجویها اصلا نمی دانند که زمانی آمریکایی ایراس ایران را منهدم کرده است. به نظر من فاجعه یعنی این. من این کار را انجام دادم که این ماجرا دوباره زنده شود. هر سال بنیاد حفظ آثار می رفت خانواده شهدا را جمع می کرد و دسته گل می انداختند توی دریا. بعد هم اخبار ساعت ۷ می گفت امروز ۱۲ تیر، سالگرد انهدام ایراس ایران توسط آمریکا بود. ما آمدیم با هنرمندان صحبت کردیم. حدود ۸ ماه زحمت کشیدیم که بیستمین سالگرد با بقیه سالگردها متفاوت باشد. نامه به ویل راجرز خوانده شد. حتی همراه آقای پرستویی در پرس تی وی، با آنها به صورت زنده هم، مناظره کردیم. من همیشه می گویم ما یک عده تشنه داریم که به تشنگی خودشان واقف نیستند. حالا یک دستی باید وجود داشته باشد که این آب گوارا را به آنها بدهد. در مورد کتاب «دا» هم، ما هم نقش این دست را بازی کردیم. ما هنرمندان به عنوان یک رسانه استفاده کردیم. هنرمندان از کتاب «دا» صحبت می کنند و نظر مشابه هم دارند، هر کدام ۴ میلیون طرفدار دارند. این است که این کتاب خوانده می شود. ما همین کار را برای جا انداختن ۲۵ آبان؛ سالروز آزادی سوسنگرد هم انجام دادیم که با استقبال خوب مردم مواجه شد. در صحبت هایم گفتم ما فقط بلدیم قلاب بیندازیم، اما فکر این نیستیم که این قلاب، یک طعمه هم می خواهد.

فراخوان جشنواره

فراخوان ششمین جشنواره ی سراسری شعر بسیج

طبع شعر و شاعری عطیه بزرگ الهی و نعمت برجسته ی خداوند است و قابل مقایسه با نعمت های ظاهری نیست؛ لذا شایسته است شاعر این قریحه و استعداد را در جایی که خداوند متعال توقع دارد به کار گیرد.
 «مقام معظم رهبری»
 شعر ناب همواره برخاسته از متن سیال و جاری در رگ جوامع بوده است و پیوسته دارای پایگاه مردمی و انسانی می باشد. همانگونه که بسیج از دیرباز به عنوان نهادی مردمی نبض شفاف و پویای جامعه ی گذشته و امروز ماست، لذا شعر بسیج را می توان به جهت دارا بودن پایگاه پایداری انسانی و آرمانی اش، مردمی ترین نمونه و الگوی شعر معاصر دانست.
 جشنواره ی سراسری شعر بسیج در راستای رشد و بالندگی هر چه بیشتر و بهتر شعر متعهد و ترویج شعر فاخر و مردمی، مصمم است گام ششم خود را در سال ۱۳۹۲، با استعانت از درگاه الهی و حضور پر شور شعرا ی بسیجی و بسیجیان شاعر بردارد.
بخش اول - محور های موضوعی:
 ۱) بازخوانی ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس (عدالت طلبی، استقلال، آزادی، استکبارستیزی و دین باوری)
 ۲) بیداری اسلامی و مقاومت ملل
 ۳) انتظار، امید، آرمانگرایی
 ۴) مضامین آیینی، اجتماعی (مبتنی بر اصول خانواده و اخلاق و سبک زندگی اسلامی)
 ۵) حماسه ی اقتصادی در آینه ی شعر

بخش دوم
 بزرگداشت استاد شعر متعهد، مرحوم خلیل عمرانی (تمامی آثار تولید شده با محتوا فوق در این بخش به طور مجزا دوری خواهد شد و تفکیک گروه سنی در این بخش وجود ندارد.)
شرایط شرکت در جشنواره:
الف) گروه های سنی:
 ۱۲ تا ۱۸ سال تمام
 ۱۹ تا ۳۵ سال تمام
 ۳۶ سال به بالا
ب) مهلت ارسال آثار:
 آخرین مهلت برگزاری جشنواره های استانی تا ۹۲/۰۶/۱۰. آخرین مهلت ارسال آثار برتر جشنواره استانی ۹۲/۰۶/۱۵
زمان برگزاری جشنواره سراسری:
 هفته اول مهرماه ۱۳۹۲ همزمان با هفته دفاع مقدس
ویژگی آثار:
 شرکت کنندگان در انتخاب قالب آزادند، در آفرینش شعر موازین زبان امروز رعایت شود. شعر های ارسالی، نباید در سایر جشنواره ها شرکت داده شده و یا در کتاب و نشریه ای به چاپ رسیده باشد.
 تکمیل نمودن برگ اطلاعات فردی برای ارسال به دبیر خانه ضروری است.
آدرس پستی دبیر خانه استانی:
 علاقه مندان جهت ثبت نام و شرکت در جشنواره به سازمان بسیج هنرمندان در استان ها و کانون های بسیج هنرمندان در سطح شهرستان ها مراجعه نمایند.
آدرس الکترونیکی: www.bao.ir

فراخوان دومین دوسالانه سراسری عکس بسیج

به یاری خداوند متعال و با امید دستیابی به اهداف تعیین شده، انجمن عکاسان بسیج هنرمندان با همکاری و همراهی هنرمندان عکاس و سازمان های فرهنگی هنری، دومین دوسالانه سراسری عکس بسیج را برگزار می نماید.
اهداف دوسالانه:
 ایجاد بستر مناسب برای بروز خلاقیت های هنری، تلاش برای معرفی ارزش ها و آرمان های اسلامی، ارتقاء ارتباط میان هنرمندان عکاس در سراسر کشور، تلاش برای معرفی دستاوردهای انقلاب اسلامی، استعدادیابی از میان جوانان، حفظ انسجام هنرمندان عکاس بسیجی.
موضوع دوسالانه:
 ۱- فعالیت های فردی و اجتماعی بسیج و بسیجیان
 آثاری در این موضوع مورد توجه است که همانند مضامین زیر باشند؛
 فعالیت های اجتماعی، خدمت رسانی، اردوهای سازندگی، تولید هدفمند، سازندگی معنوی، تعلیم و تربیت، ایثار و مقاومت، و ...
 ۲- زندگی ایرانی اسلامی
 عکس هایی در این موضوع مورد نظر است که شامل آیین عبادی، جشن ها، عزاداری ها، آداب و رسوم، اقوام و حماسه، اقوام و تولید، بازی های محلی و ...
تقویم اجرایی دوسالانه:
آخرین مهلت دریافت آثار استانی:
 اول مهر / ۱۳۹۲
انتخاب و داوری آثار استانی: ۱۵ / مهر / ۱۳۹۲
افتتاح نمایشگاه و اهدای جوایز استانی:
 از اول / آبان / ۱۳۹۲ تا ۱۰ / آبان / ۱۳۹۲
انتخاب و داوری نمایشگاه کشوری: اول / آذر / ۱۳۹۲
افتتاح نمایشگاه و اهدای جوایز کشوری:

۵/دی/۱۳۹۲ (۳/ربیع الاول/۱۴۳۵)
 نمایشگاه در مرکز استان مربوط، برگزار و به مدت ۱۰ روز آماده بازدید علاقه مندان محترم خواهد بود. سقف آثار قابل پذیرش برای نمایشگاه های استانی در هر موضوع ۲۰ اثر می باشد. سقف آثار قابل پذیرش برای نمایشگاه کشوری در هر موضوع ۵۰ اثر می باشد.
 دبیر خانه دوسالانه به ازای هر یک از آثار راه یافته به نمایشگاه های استانی (به جز آثار برگزیده و تقدیر) مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال پرداخت خواهد کرد.
 دبیر خانه دوسالانه به ازای هر یک از آثار راه یافته به نمایشگاه کشوری نیز (به جز آثار برگزیده و تقدیر) مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال، به صاحب اثر پرداخت می نماید.
 یک نسخه کتاب منتشره از آثار راه یافته به نمایشگاه کشوری در صورت چاپ به دارندگان اثر در کتاب اهدا خواهد شد.
 عکس های منتخب استانی و کشوری به صورت کتاب الکترونیکی (ebook) منتشر و برای تمامی عکاسانی که آثارشان به نمایشگاه استانی و کشوری راه یافته، ارسال می گردد.
 به تمامی شرکت کنندگان که آثارشان به نمایشگاه استانی یا کشوری راه یافته، گواهی شرکت استانی یا کشوری تعلق خواهد گرفت.
مقررات:
 ثبت نام و شرکت در این دوسالانه به صورت اینترنتی و حضوری بوده و شرکت کنندگان باید طبق قوانین اعلام شده در سایت نسبت به تکمیل فرم مربوط، اقدام و آثار خود را به دبیر خانه دوسالانه ارسال نمایند.
 برای ثبت نام، تکمیل فرم شرکت و ارسال آثار، به سازمان بسیج هنرمندان در استان ها و کانون های بسیج هنرمندان در سطح شهرستان ها مراجعه نمایند.
آدرس الکترونیکی: www.bao.ir
 شرکت تمامی عکاسان در این دوسالانه آزاد است.

با شاعران بسیج هنرمندان استان ها

افسانه نوری،
از بسیج
هنرمندان
استان یزد



← به مناسبت میثت پیامبر اکرم (ص)

ترانه های علق
مردی که در تبسم او آسمان گم است
از شانه های کوه سرازیر می شود
دستش پر است از نفس گرم جبرئیل
در او هزار آینه تفسیر می شود
غار حراء مدیحه سرای نگاه اوست
تقدیر در برابر او سجده می کند
تا عرش، تا کرانه ی امواج می رود
عطری که در قنوت پراکنده می کند
مردی که با سکوت چهل ساله خودش
احساس را به سمت تغزل کشانده است
حالا پیام آور آیات عاشقی ست
بر لب ترانه های علق را نشانده است
او از فراز رو به فرود آمده ست تا
ثابت کند که مثل تمام زمینیان ...
نه او فرشته ایست سراپا غرور و عشق
نه او فرشته ایست که از سمت آسمان ..
یک دست او پر است از آینه های نور
در دست دیگرش غزل سرخ آفتاب
یعنی زمین نشسته میان دو آبرویش
یعنی که اوست پرسش سبز مرا جواب
حالا دوباره نور و سرور و غرور را
باید که در تبسم او جستجو کنیم
زنگارهای کهنه ی دل های خویش را
در چشمه سار آبی او شستشو کنیم



محسن استوار،
از بسیج
هنرمندان
استان یزد



← تقدیم به شهدای خرمشهر

در عرصه تلاقی توپ و تفنگ ها
آماج سرخگونه تیر و فشنگ ها...
ببازار از خموشی قومی که خفته اند
غربت نشین قلّه احساس و روشنی
آنسان که رشک می برد او را پلنگ ها
یا نه، هم او که در وطن خود غریب بود
چون یونسی که مانند به کام نهنگ ها
تا فتح شهر، یک پل مردانه مانده است
بر خیز! شیر مرد کهن! بی درنگ ... ها!
بشکن حصار کهنه دشمن به دور شهر
بشکن! شکستی ست فراخوان ننگ ها
او رفت؛ رفت و باز نیامد؛ و بی گمان
در گوش رود مانده صدایش چون زنگ ها
هوهو کنان به نقطه ی آغاز خود رسید
موجی که سر گذاشت به دامن سنگ ها
نامی ترین بهانه شعر است نام او
گمنام نیست مردترین مرد جنگ ها

طیبه سلمانی
نژاد، از بسیج
هنرمندان
استان یزد



← به مناسبت میلاد حضرت

ابوالفضل العباس (ع) و روز جانباز

نقش قلم

قلم کشید مرا نقش صورتی غمگین
قلم کشید تو را جای صورتی خوشحال
تو را گذاشت به جای پرنده ای آزاد
مرا کنار قفس، خسته جان و خونین بال
تو ماه کامل شبها شدی و خندیدی
و من ز نیمه گذشتم شدم هلال هلال
من و تو همسفر روزهای پر خطریم
یکی به سمت شکفتن یکی به سمت زوال
من و تو زخمی جنگی که نردبان تو شد
مبارک است رسیدن به آسمان وصال
و من که منتظرم روزها و شب ها را
و من که منتظرم، از همیشه تا هر سال
قلم کشید تو را گرم مثل یک لبخند
مرا چو دانه اسفند روی چشم زغال
توسیب نورس تازه ز شاخه چیده شده
و من همیشه ی نارس و من همیشه ی کال
و بعد درد دل مرد و عکس پایان یافت
و خس خس نفسش ماند و اشک های زلال
و بعد ماسک از آن چهره بر زمین افتاد
شکست پیله ی غم، پر کشید بی پر و بال
و باز هم قلم و طرح دیگری از تو
که می کشید دو لب روی صورتی خوشحال
که می کشید تو را چون کبوتری عاشق
که می کشید تو را، سینه سرخ خوش اقبال



فاطمه فاضلی،
از بسیج
هنرمندان
استان فارس



← به مناسبت رحلت حضرت امام خمینی (ره)

هزاره ی عشق

چگونه می شود آری تو را نوشت و نشان داد
دم مسیحیت ای مرد به هر چه واژه توان داد
تو ناخدای صبوری که در تلاطم طوفان
شبه نوح پیمبر به هر که خواست... امان داد
شکوه حادثه آنجاست، خلیل واره شکستی
عقیده های لعابی را، چه لوزه پی به جهان داد
به چاه، نه! تو نیفتادی ولی عزیز شدی یوسف
در آن بهشت قیام آور و بهمنی که نشان داد
غرور سرو شدن تا اوج، گذشتن از دل آتش ها
رسیدن و نشکستن و با سخن هیجان داد
رسیده نوبت تاریخ، لباس سرخ ببوشد
عجب هزاره ی عشقی، به دست تیر، کمان داد
خمین نام غریبی نیست، از آن زمان که تو را بخشید
به سر نوشت سپید ما، به هر چه عشق شریان داد
چگونه می شود آری تو را نوشت و نگرید
امام رفته ی این قرن تو را چگونه نشان داد؟!

رضانعلی
ابری، از بسیج
هنرمندان
استان گلستان



← باید از حیرانی بادها

کم کنم
تا بدنبال تو نگردند
عجله نکنید
پیکرش را پیدا نخواهید کرد
آخرین بار
گلوله ها
پاهایش را ربودند
و سرش سال هاست
جای خورشید را گرفته
این را پلاکی گفت
که بر گردن ابرها بود
شلیک کن
به سینه ی این دیوار
به نقشه های نشستگی دو کبوتر
که از دستهای تو پر کشیدند
تا صفحه ای که تیر باران شد
پدری که بی دست
سلام می داد
در آخرین کوچ
پیراهنش
آبادان را آورد
تا زمین
سقوط نکند
زیر درختان نخل
روی دستهای هویزه
یک
دو
سه
بعد از انفجار
آخرین پلان یک سردار
پلاک بود
جهان
دهانش را با جنگ پر می کرد
من با خاک



نوشین نوری،
از بسیج
هنرمندان
استان
کرمانشاه



← به مناسبت ولادت حضرت

امام علی (ع)

ماه این دنیا
باز هم تا آسمان
این زمین سجاده است
باز آغوش زمین
یک بغل گل داده است
کوچه ها را شسته اند
ابراهی رفته گر
می کشد در آسمان
بوی خوب غنچه، پر
آسمان کعبه را
کرده پر باران نور
می رسد بوی بهار
باز از نزدیک و دور
باد آورده خبر
کعبه غرق روشنی ست
ماه امشب رفته چون
ماه این دنیا علی ست

← تقدیم به حضرت زینب (س)

بی وجود آب
مشق ها نوشت
توی کربلا
روی خاک خشک
با گل دعا
می شود شکفت
بی وجود آب
از خدا نوشت
صد بغل کتاب
دردها اگر کوه غصه شد
با خدا بگو
آرزوی خود
او ستاره ایست
در دل شب است
ساده و صبور
چون که زینب است



هادی رحیم دل، کارشناس صنایع دستی با گرایش سفال و عضو شورای مرکزی هنرمندان صنایع دستی بسیج هنرمندان استان یزد

تجلی نقش خورشید خانم در سفال میبد

و مهر پرستی در اسلام مشخص است؛ ولی در ایران گونه‌های دیگر گرایش به نور الهی و خورشید در طرح‌ها و نقوش دیده می‌شود، به صورتی که طرح گره شمس در کاشیکاری از ماهیت وجودی خورشید به وجود می‌آید. در هنر اسلامی، خورشید دارای صورت و چشم و دهان و بینی و مو به آن اضافه می‌شود. جایگاه خورشید در فرهنگ مردم میبد: خورشید در فرهنگ مردم کویر، دارای جایگاه ویژه‌ای است. زیرا کویر فضایی است که خورشید در روز و ماه و ستارگان در شب آن به خوبی مشخص هستند. از دور، هر گاه به پهنه پر وسعت کویر می‌نگرید، نخستین چیزی که به چشم می‌خورد، سراب‌هایی است که از تالاب نور خورشید روی زمین به وجود آمده است. حال آنکه شهر کویری میبد نیز از این خصوصیات به دور نیست. فرهنگ غنی میبد فرهنگی است که با خورشید صمیمیتی دیرینه دارد. خورشید چه در آیین آنها، چه در کار آنها و چه در فرهنگ آنها ریشه دوانده و به رشد و تعالی آنها کمک شایان ذکری کرده است. خورشید، عنصری است که هیچ‌گاه نور و گرمای آن از خاطر میبیدی‌ها بیرون نمی‌رود. این واژه به حدی در فرهنگ مردم میبد رسوخ کرده است که همچون دیگر جهانیان و ایرانیان از بزرگترین وسایل الهام به شمار می‌رود؛ الهام‌هایی که نشانه‌های آن را در جاهای مختلف می‌توان دید، از این جمله می‌توان به اسامی‌ای که از این آفریده گرفته شده است، نام برد. برای دختران نام‌های میترا، مهری، مهرناز، مهرانگیز، مهر آسا و همچنین نام خورشید و برای پسران نام‌هایی چون مهرداد، مهرید، مهراب، مهران و... البته این اسامی در سراسر ایران رایج هستند؛ ولی ذکر آنها به دلیل استفاده ویژه از آنها در بین انسان‌های کویری است. از دیگر نشانه‌های خورشید در میبد که بسیار و بیشترین نشانه است، نور و رنگ زرد زیبایی است که در هنگام بارش نور خورشید با کاه‌های مخلوط در گل استفاده شده در دیوارها مشاهده می‌شود. این نشانه هیچ‌گاه نمی‌شود که در مقابل چشمان انسان میبیدی نباشد و او را به یاد نورهای متصاعد از خورشید نیندازد. وقتی که از کوچه‌های

می‌کردند که این خود بیانگر دقت و ظرافت خاص سفال میبد است. خلایق در سفال میبد به گونه‌ای است که سفالگر میبیدی، هیچ‌گاه قانع و پایبند به طرح و نقش و یافته‌های قبلی خود نبوده و همیشه در پی ابداع و ایجاد طرح و نقشی جدید بوده است. بعضی از این نقش‌ها ریشه در اعتقادات و اندیشه‌های کهن مردم این دیار دارد که نقوش خورشید خانم یا خورشیدی، مرغ و ماهی مهمترین آنها می‌باشند. خورشید خانم (خورشیدی): یکی از نقوشی که در منطقه میبد رواج بسیاری دارد، نقش باستانی خورشید خانم با چهره زن می‌باشد. نکته مهم و قابل بحث در این نقش، هفت شاخه آن و همچنین چهره زن است که شاید هفت شاخه بودن آن، منظور تابش خورشید به هفت اقلیم بوده است و به گفته ساکنان شاید به علت تجلی زیاد خورشید و زیاد دیده شدن آن در کویر باشد. کهن‌ترین نمونه خورشید آریایی در آثار هزاره پنجم و چهارم ق. م در شوش و در خوزستان یافت شده است. در بعضی از این نقوش نور خورشید با حرکت موج دور دایره نشان داده می‌شود. در معدود شکل‌های دیگری خورشید به صورت گلی چند پر به نمایش در می‌آید. یکی از نمودهای نقش خورشید نزد مادها شیر بوده است. شیر در نزد مادها و پارسیها جلوه‌ای از میترا یا مهر بوده که پس از اهورامزدا، گرمی‌ترین فرشته است. نقش شیر، بعدها به نقش شیر خورشید، بدل و جان می‌گیرد و ماهیت درونی شیر هویدا می‌شود. جایگاه خورشید در هنر اسلامی: جایگاه خورشید در فرهنگ ایران بعد از اسلام تداوم و ادامه همان ارزشی است که ایرانیان پیش از اسلام همواره به آن قائل بودند. در زمانی که مسلمانان خدا را پرستیدند و خورشید را نشانه قاطع از وجود او پنداشتند، نقش خورشید در بررسی تاریخ هنر ایران در دوره‌های مختلف به ویژه در دوره اسلامی مورد استفاده قرار گرفته و هنرمندان بنا به سلیقه و دیدگاه عارفانه خود آن را به کار برده‌اند. آنه ماری شیمل در کتاب خود در باره خورشید و هنر اسلامی می‌نویسد: «بارزترین نور فراگیر و ساری و جاری عالم وجود خورشید است.» خورشید همانند



سایر اجرام آسمانی، در زمره آفلین (موجوداتی که آفول و غروب می‌کنند) قرار دارد. (سوره انعام ۷۶) ^۵ موجوداتی که ابراهیم نبی در ابتدا به آنها روی آورد، اما همین که می‌بیند هر یک از آنها غروب می‌کنند، از ستایش آنها دست می‌کشد و می‌گوید رب به سوی خالق آنها باید کرد. در این مورد (فصلت ۳۷) ^۶ خداوند عالم، مردم را آنگار می‌دهد که در مقابل خورشید و ماه به سجده در نیایند، بلکه خدایی که آنها را خلق کرده را، مسجود خود قرار دهند. اینها همه رویکردهایی است که هنر اسلامی به خورشید دارد. نفی خورشید

در ظروف و وسایل سفالین تولید میبید، ظرافت و زیبایی خاصی دیده می‌شود. سفالگری در میبد به سه نوع سفال ساده، لعابدار و کاشی تقسیم می‌شود. به گفته میشین کبیر، سفال‌های عادی و ساده میبید، در خشان تر از سایر سفال‌های میبید می‌باشد. آنها به سرمایه‌های هنگفت نیاز نداشته‌اند و راحت تر و ساده تر به فروش می‌رسیده‌اند. این نوع سفال به زبان عامه کوواره یا کباره نام دارد که به صورت ساده و بدون لعاب، همراه با طرحی خاص و یکبار پخت به وجود می‌آید و ماده مورد مصرف آن خاک رس است. سفال میبید به علت دارا بودن طرح‌ها و نقوش خاص خود که بیشتر جنبه نمادین و ریشه در آیین‌های کهن دارد؛ همانند طرح خورشید خانم، ماهی، مرغ و ۲۲ نوع طرح دیگر از جمله سفال‌های مطرح



ایران است. این نقوش هستند که هویت خاصی را به سفال میبید بخشیده‌اند و دارای جایگاه ویژه‌ای در آن هستند؛ به صورتی که طرح خورشید خانم، در سال ۱۹۷۱، برنده جایزه نمایشگاه بین‌المللی مونیخ برای آقای استاد رضا آقایی میبیدی گردید. تجلی نقش در سفال کهن ایران: ایجاد نقش بر روی سفال اولین و مهمترین پیشرفت صنعت سفال به گفته متأخرین می‌باشد که قدمت آن به ۶۰۰۰ ق. م. می‌رسد. این نقوش به صورت‌های خطوط ساده و متقاطع، اشکال هندسی، نقش حیوان، نقوش گیاهی، طرح انسان و مظاهر طبیعی (خورشید، ماه، ستارگان، کوه، زمین، آب، آتش) هستند که این عناصر هفت‌گانه همگی مظاهر طبیعت هستند و در نزد ایرانیان باستان مقدس بوده‌اند و به همین دلیل علاقه انسان اولیه به نمایش نیروهای طبیعی روی ظروف سفال پدیدار می‌شود. بررسی رمزهای نهفته در سفالینه‌های میبید: همانطور که قبلاً ذکر شد مهم‌ترین صنعت دستی که در میبد رواج دارد، صنعت سفالگری است؛ صنعتی که در کنار زیلو جایگاه و خاستگاه ایجاد ذوق و سلیقه سفالگر میبیدی در ایجاد نگاره‌ها و نقش‌ها می‌باشد. فعالیت هنری‌ای که به علت کمبود حفاری‌های باستان‌شناسی پیشینه و تاریخ آن به درستی معلوم نیست و قدیمی‌ترین آنها سفالینه‌های یافته شده در نارین قلعه میبید است؛ نگاره‌هایی که از طبیعت و جهان مادی الهام گرفته و درست در مقابل نقوش زیلو که انسان را به جهان غیر مادی می‌برد ایستاده است. نقش‌هایی که نام آنها همچون خورشید خانم، مرغ، ماهی، نقوش هندسی و گیاهی، هیچ‌گاه از سفال میبید جدا نمی‌شود و هویت دهنده به سفال میبید می‌باشد. طی بازدید‌هایی که از مراکز سفالگری میبید و صحبت‌هایی که با سفالگران میبیدی انجام شد، آنها همگی به ایجاد ظرافت و ترسیم دقیق نقوش متناسب با گذشته‌ها قرار

اشاره:
هادی رحیم دل، متولد ۱۳۶۴، یزد، فارغ‌التحصیل کارشناسی صنایع دستی با گرایش سفال، نگارش و عکاسی تخصصی صنایع دستی استان یزد در سال ۱۳۹۰، نفر برگزیده صنایع دستی استان یزد در سال ۱۳۹۱، عضو شورای مرکزی انجمن هنرمندان صنایع دستی بسیج هنرمندان استان یزد، دبیرانجمن صنایع دستی استان ماندگار، نویسنده و کارگردانی ۷ فیلم کوتاه، بیش از ۷ سال سابقه کار در هنر معرق شیشه، تدریس در زندان مرکزی یزد، تدریس در مرکز آموزش صنایع دستی استان یزد و.....



تجلی نقش خورشید خانم در سفال میبد

نگاهی به تاریخ سفال:

سفالگری از قدیمی‌ترین هنرهای است که بشر توانست آن را از ترکیب خاک و آب و ایجاد گل، اشیاء و اشکال مختلف کاربردی و نمادین را بسازد. طبق آخرین تحقیقات انجام شده، قدیمی‌ترین سفال مکشوفه به ۱۲ هزار سال قبل برمی‌گردد و از شرق دور به دست آمده است. باستان‌شناسان قدیمی‌ترین سفال مکشوفه در ایران را مربوط به ۱۰

هزار سال پیش در غار کمر بند، واقع در مازندران نزدیک به شهر به دست آورده‌اند. کم‌کم این هنر، مراتب پیشرفت را پشت سر گذاشت تا در ۶ هزار ق. م. اولین نشانه‌های کوره پخت سفال به دست آمد که این زمان مصادف با آغاز نقاشی روی سفال و ایجاد طرح‌های آیینی روی آن نیز می‌باشد. متأخرین اولین ماده‌ای که بشر برای نقاشی روی سفال از آن استفاده کرد را گل آخری می‌دانند. بشر در ۳۵۰۰ ق. م. معمول‌ترین نوع سفالگری که شکل بخشیدن گل روی چرخ سفال است را کشف کرد و از آن به بعد، بدعت‌های مختلف در زمینه این هنر آغاز شد و تا به حال نیز ادامه دارد.

سفال و سفالگری در میبد

شهرستان میبد از شهرستان‌های استان یزد و منطقه کویری است که به علت داشتن خاک رس مناسب و همچنین نداشتن آب کافی برای کشاورزی از جمله شهرهایی است که مردم آن به ساختن ظروف سفالین و سفال روی آورده‌اند. سابقه کار سفالگری در میبد تقریباً به اندازه پیشینه تاریخی مردم این دیار است و می‌توان پذیرفت که دست کم مهاجران آریایی این سرزمین فن سفالگری را می‌شناخته‌اند. به روایتی دیگر، قدمت سفال و سفالگری در میبد به ۳ هزار سال ق. م. می‌رسد که این تاریخ به ظروف و وسایل کشف شده در نارین قلعه استناد شده است که سابقه این صنعت را در قبل از اسلام به دوران ساسانیان می‌رساند. ^۲ اولین ساخته‌های دست هنرمند میبیدی تنور نانوايي است که در حال حاضر، ساخت آن در کارگاه‌های سفالگری ادامه دارد. این صنعت در دوران اسلامی و در زمان حکومت آل مظفر قرن هشتم که مقر و پایگاه حکومت آنها در شهر میبید بوده است، به رشد قابل توجهی می‌رسد و دوران اعتلای خود را در این زمان سپری می‌کند؛ به صورتی که در این دوران

اخبار فرهنگی - هنری سازمان بسیج هنرمندان

اولین نشست مشترک اعضای شورای مرکزی انجمن های فرهنگی - هنری و ادبی بسیج هنرمندان در سال ۱۳۹۲

و نه امکانات مناسب؛ حتی به علت نبودن امکانات کافی، مجبور شدیم برای جلسات انجمن، از دفتر آقای فردی در کیهان بچه‌ها استفاده کنیم. حالا بیابید فکر کنیم چگونه می‌توان مشکلات، کارهایمان با برکت و مؤثر باشد. بنده این را در گروه روحیه جهادی و پیوند داشتن با ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و ایمان و تدبیر فردی و جمعی می‌دانم.» در این مراسم، تودیع سیداسماعیل اشرف‌نیا، مدیر سابق امور انجمن های فرهنگی - هنری و ادبی سازمان بسیج هنرمندان با اهداء لوح تقدیر به ایشان و معارفه امیرنصیر بیگی، مدیریت جدید امور انجمن از سوی دکتر قنادیان انجام شد. این مراسم با پذیرایی و شام و اهداء شاخه های گل با شرکت کنندگان پایان یافت.



بر گزار شده است، با توجه به نقش و اهمیت ویژه انجمن های هنری و ادبی سازمان بسیج هنرمندان در روند جریان سازی فرهنگی و هنری در عرصه اجتماعی و به تبع آن لزوم سازماندهی و ساماندهی برنامه های اجرایی انجمن های، جهت حضور مؤثر، کارآمد و تأثیر گذاری مطلوب، استادان رشته های مختلف هنری، به هم اندیشی پرداختند. در این نشست، سردار محمد رضا نقدی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، ضمن اشاره به فضای جنگ نرم و حساسیت حوزه های مختلف هنری، به ویژه حوزه سینما، به نقش هنرمندان متعهد و تولید آثار هنری مناسب در این عرصه و جریان سازی هنر متعهد، پرداختند. پس از سخنان سردار نقدی، تعدادی از هنرمندان در زمینه رشته های تخصصی هنری خود، به ارائه دیدگاه ها و نظرات خود پرداختند. هوشنگ جاوید، جمال شورجه، بهروز قزلباش از جمله هنرمندانی بودند که به ارائه دیدگاه های خود پرداختند. دکتر حسین قنادیان، رئیس سازمان بسیج هنرمندان نیز ضمن گرامیداشت یاد و خاطره امیر حسین فردی، مسئول انجمن ادبیات داستانی سازمان بسیج هنرمندان، طی گفت و گویی صمیمانه با اشاره به سابق ۱۳ ساله تشکیل انجمن های امور انجمن های و فعالیت سازمان بسیج هنرمندان که با انجمن ادبیات داستانی فعالیت خود را آغاز کرد، گفتند: «تجربه ثابت کرده است، امکانات کمترین تأثیر را در تحقق اهداف و انگیزه های متعالی دارد. ما راه اندازی انجمن های مان را با انجمن ادبیات داستانی شروع کردیم که در آن زمان، نه بودجه کافی داشتیم

اولین نشست مشترک اعضای شورای مرکزی انجمن های فرهنگی - هنری و ادبی سازمان بسیج هنرمندان در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ همزمان با ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س) و روز زن، با حضور سردار محمد رضا نقدی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، دکتر حسین قنادیان، رئیس سازمان بسیج هنرمندان و امیرنصیر بیگی، مدیر امور انجمن های فرهنگی - هنری و ادبی سازمان بسیج هنرمندان و معاینین و مدیران این سازمان و هنرمندان عرصه های مختلف هنری، در مجتمع فرهنگی - هنری اسوه برگزار شد. در این نشست مشترک که به همت امور انجمن های فرهنگی - هنری و ادبی سازمان بسیج هنرمندان و به منظور تبیین رویکردهای اصلی و سیاست های برنامه ای امسال ۹۲ بسیج هنرمندان



دوره آموزش تخصصی فیلمنامه نویسی و کارگردانی سازمان بسیج هنرمندان در سال ۱۳۹۲



ادامه مرحله دوره آموزش تخصصی فیلمنامه نویسی و کارگردانی سازمان بسیج هنرمندان در سال ۱۳۹۲ آغاز شد. هنر جویان دوره فیلمنامه نویسی این دوره، از تاریخ ۱۳ الی ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۲ به طور متمرکز در تهران و هنر جویان دوره کارگردانی از تاریخ ۱۴ الی ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۲ در دو استان خراسان رضوی و اصفهان، ادامه آموزش تخصصی خود را شروع کردند و آموزش گروه منطقه ای تهران از ۲۱ تا ۲۸ اردیبهشت برگزار شده است. لازم به یاد آوری است سید اسماعیل اشرف نیا از سوی معاونت آموزش سازمان بسیج هنرمندان، عهده دار مسئولیت برگزاری دوره های فیلم نامه نویسی و کارگردانی است. گفتنی است در مراسم اختتامیه دوره متمرکز فیلم نامه نویسی در تهران، سردار محمد رضا نقدی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین حضور یافت و پس از ایراد سخنرانی، طی پرسش و پاسخ به گفت و گوی صمیمانه با هنر جویان فیلم نامه نویسی این دوره پرداخت.



تشکیل ستاد شهید کشتکار، شهید شاخص سازمان بسیج هنرمندان در سال ۱۳۹۲ از استان بوشهر



با حضور دکتر حسین قنادیان، رئیس سازمان بسیج هنرمندان و مسئولین استان بوشهر و همچنین با شرکت انجمن های هنری و ادبی سازمان بسیج هنرمندان استان بوشهر، ستاد بزرگداشت شهید کشتکار، شهید شاخص سازمان بسیج هنرمندان در سال ۱۳۹۲، تشکیل شد. در این جلسه این ستاد، دکتر قنادیان به نقش و تأثیر هنرمندان شهید انقلاب و هشت سال دوران دفاع مقدس اشاره کردند و خاطر نشان کردند: «هم اکنون نیز، این نقش پر رنگ تر از گذشته با حسب العین قراردادن فرامین رهبری انقلاب، از نقش ویژه ای برخوردار است.» ایشان به لزوم الگوسازی شهدا برای نسل جوان جامعه به ویژه هنرمندان شهید تاکید کردند و به برگزاری کنگره سراسری شهیدان هنرمند در سال ۱۳۹۳ اشاره کرده و خواستار برگزاری مراسمی در خور شهید کشتکار در سالروز شهادت ایشان در چهارم تیر ماه شدند. در این جلسه، مسئولین و هنرمندان حاضر آمادگی و برنامه های خود را در اجرای هر چه بهتر بزرگداشت شهید کشتکار اعلام کردند.



دیدار مسئول سازمان بسیج هنرمندان با نماینده مقام معظم رهبری و امام جمعه بوشهر

آیت الله صفایی بوشهری در دیدار مسئول سازمان بسیج هنرمندان، متکفل شدن مباحث معرفتی و مقولات اثر گذار در سطح جامعه را به عنوان کار بزرگ بسیج مطرح کردند. ایشان همچنین هنر را به عنوان یکی از مباحث مهم جامعه دانستند و افزودند: «اخلاق در هنر، مباحث حقوقی این عرصه و فقه هنر، به عنوان مهم ترین مباحث مورد بحث در این زمینه مطرح است.» در این جلسه که به منظور تشکیل کار گروه فقه هنر، به درخواست مسئول سازمان بسیج هنرمندان برگزار شد، فرایند تدوین فقه هنر توسط پژوهشگران حوزه و زیر نظر آیت الله صفایی مورد بررسی قرار گرفت.



بازدید مسئول سازمان بسیج هنرمندان از مناطق زلزله زده استان بوشهر

دربازدید دکتر حسین قنادیان از مناطق زلزله زده استان بوشهر (منطقه دشتی)، در جلسه ای که ضمن بازدید تشکیل شد، به راهکارهای فرهنگی و هنری در جهت کمک به مردم این منطقه پرداختند. این جلسه که با حضور اعضای شورای کانون بسیج هنرمندان شهرستان دشتی برگزار شد، ایشان ضمن شنیدن ایده های هنرمندان، تأکید کردند که با قوت و قدرت به کار هنری خود جهت تقویت روحیه مردم مصیبت دیده ادامه دهند و سازمان نیز از این اقدام، حمایت مادی و معنوی خواهد کرد.



اولین کارگاه توجیهی - آموزشی کاربران شبکه شباب سازمان بسیج هنرمندان برگزار شد



آموزشی را برای مرکز برگزاری همایش های بسیج در مشهد تهیه خواهیم کرد تا همه اقشار بسیج بتوانند آموزش های مشابهی را برای کارکنان خود در این مکان برگزار نمایند.» در این کارگاه آموزشی که با حضور ۱۲۰ نفر از مسئولین سازمان بسیج هنرمندان استان ها، مدیران کانون ها و کارشناسان بسیج هنرمندان استان ها برگزار شد، شرکت کنندگان در کارگاه، به صورت آنلاین، به نحوه بهره برداری از شبکه شباب پرداختند. در این کارگاه آموزشی، چگونگی ساخت، نگهداری و توسعه سایت در شبکه شباب و نیز روش افزایش محتوا به این سایت ها آموزش داده شد. این همایش که با مشارکت معاونت فاوا سازمان بسیج مستضعفین، سازمان بسیج هنرمندان و قرارگاه شباب برگزار شده است، اولین گام در حضور اقشار بسیج در شبکه شباب و همچنین اولین تجربه برگزاری آموزش آنلاین برای رده های بسیج است. مدیران و مسئولین برگزاری این دوره آموزشی، امیدوارند که این کارگاه آموزشی، الگوی جدیدی برای آموزش های سازمان بسیج مستضعفین باشد.

اولین کارگاه توجیهی - آموزشی کاربران شبکه شباب سازمان بسیج هنرمندان، در روزهای ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۲ در مشهد برگزار شد. حمیدرضا خاکسار، مسئول شبکه شباب سازمان بسیج هنرمندان و مدیر دوره کارگاه توجیهی - آموزشی کاربران شبکه شباب این سازمان گفت: این کارگاه آموزشی به منظور ارتقای تخصصی مدیران و بخشی از مسئولین کانون ها و کاربران شبکه شباب بسیج هنرمندان استان های سراسر کشور با هدف بهره برداری از شبکه شباب تشکیل شده است. در روز اول این کارگاه آموزشی، سرداردینی، معاون فاوا (فناوری اطلاعات و ارتباطات) سازمان بسیج مستضعفین، دکتر حسین قنادیان، رئیس سازمان بسیج هنرمندان و آقای حمید جعفری، دانشجوی دکترا و مسئول قرارگاه شباب، به معرفی شبکه شباب و تشریح راهبردها و برنامه های بسیج برای بهره برداری و توسعه این شبکه پرداختند. سرداردینی طی سخنان خود در این همایش اظهار کرد: «برساخت های لازم برای برگزاری اینگونه کارگاه های